

## تأثیر آموزش کوتاه مدت مذهبی بر دانشجو معلمان برون گرا و درون گرا دانشگاه فرهنگیان استان همدان

موسی عبادی ، جلال سبحانی ، محمد حسن تولایی

تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت : ۹۷/۰۵/۱۲

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی میزان تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت اعتقادی مذهبی بر دانشجویان با جهت‌گیری ( درونی - بیرونی) دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان همدان می‌پردازد. مذهب با مبدأ درونی، فراگیر و دارای اصول سازمان‌یافته و درونی شده است ولی مذهب با مبدأ بیرونی، امری خارجی و ابزاری است که برای ارضاء نیازهایی مانند آرامش، معاشرت، ایجاد امنیت و برای توجیه خود و حتی موقعیت به کار گرفته می‌شود. طرح پژوهشی عملی - مقایسه‌ای است و حجم نمونه شامل تعداد ۱۵۴ نفر از دانشجویان دوره‌های کارشناسی که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و در سال ۱۳۹۵ در رشته‌های مختلف در دانشگاه فرهنگیان پردیس‌های استان همدان مشغول به تحصیل بوده‌اند، می‌باشند. ابزار پژوهش مقایسه جهت‌گیری مذهبی (درونی - بیرونی) آل پورت (ROS) و مقایسه شیوه‌های لازاروس فولکمن (WOC) را شامل می‌گردید. پس از اجرای آزمون نفراتی که در آزمون جهت‌گیری مذهبی پایین‌ترین نمره را گرفته بودند به‌عنوان افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و نفراتی را که بالاترین نمره را آورده بودند به‌عنوان افراد دارای جهت‌گیری مذهبی برون در نظر گرفته شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری، تفاوت بین میام کین دوم گروه مستقل (آزمون t) استفاده گردید. یافته به‌دست‌آمده در مجموع، فرضیه‌های اصلی این پژوهش را تأکید کردند و نتیجه گرفته شد که دانشجویان با جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی برون، با برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت مذهبی تأثیرپذیری داشته‌اند.

کلید واژگان: جهت‌گیری ، کوتاه‌مدت ، برون گرای ، درون گرای .

moosa.ebadi@yahoo.com

jalalsobhani@yahoo.com

moshaver.mht@gmail.com

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه فرهنگیان ( نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> مدرس گروه معارف دانشگاه فرهنگیان

<sup>۳</sup> مدرس گروه معارف دانشگاه فرهنگیان

## ۱. مقدمه

در جامعه امروز، یکی از ضروری‌ترین و لازم‌ترین موضوعات پژوهشی، میزان سنجی و بررسی تأثیر موضوعات بازندگی انسان هاست، خصوصاً برای مسئولین و متولیان امور مختلف اقتصادی، علمی، و بالاخص فرهنگی که زیربنای توسعه همه‌جانبه است هست. به طوری که اگر تأثیرات اقدام‌های صورت گرفته ارزیابی و بررسی نشود به هیچ‌وجه آینده روشنی در پیش رو نخواهد بود. بنابراین جهت شناخت مخاطبین و میزان تأثیرات برنامه‌های فرهنگی و دینی لازم است ارزیابی‌هایی در خصوص برنامه‌های اجرا شده صورت گیرد. یکی از راه‌های توسعه فرهنگی دینی و تعمیق باورهای اعتقادی برگزاری دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های تخصصی و عمومی و کلاس‌ها برای مخاطبین می باشد.

همه ما در هر لحظه با مسائل و شبهات جدیدی روبه‌رو می‌شویم که ممکن است اساس اعتقادی باورهای دینی ما را زیر سؤال ببرد. لذا آموزش شیوه‌ها یا راهبردهایی که فرد در مقابله با چنین مسائلی به کار می‌برد، نقش اساسی در سلامت نفس و دین او ایفا می‌کند. فرآیندهای ارزیابی و مقابله تلاش‌های شناختی و رفتاری افراد در تفسیر و غلبه بر مشکلات زندگی موثر می‌باشند. (موس و شفر، ۱۹۹۳). در بحث ارزیابی اولیه موضوعات تهدید کننده سلامت اعتقادی، فرد ممکن است موقعیت را تهدید کننده یا برعکس خطر ارزیابی کند.

در مرحله دوم یا ارزیابی ثانویه، نوع اقدامی که فرد باید نسبت به آن موقعیت به عمل آورد و نیز نیروها و امکاناتی که برای حل و مقابله با آن در خود احساس می‌کند، مورد بررسی واقع می‌شود. احساس خطر و میزان آن وابسته به معلوماتی است که فرد احساس می‌کند در اختیار دارد و این موضوع در رابطه با اطلاعاتی است که محیط، تجارت زندگی و ویژگی‌های شخصی برایش به وجود آورده است. اطلاعات تازه ممکن است در ارزیابی فرد از موقعیت مؤثر واقع شود و آن را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد (آزاد، ۱۳۷۸).

تحقیقات پیشین نشان داده است که مذهبی بودن به معنای وسیع کلمه می‌تواند اثرات بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند. برای مثال کوک ( T.COOK ) و ویمبرلی ( D.WIMBERLY ) (۱۹۸۳) گزارش کردند که تعهد مذهبی، سازش والدینی را که اخیراً کودکی با به خاطر اختلال خون یا سرطان از دست داده بودند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. (پارک و کوهن، ۱۹۹۰). امروزه تردیدی در آن وجود ندارد. این مسئله همواره در سال‌های اخیر مورد توجه محققین بوده است. اما نقش تعدیل گر مذهب و به خصوص جهت‌گیری‌های مذهبی افراد و اهمیت آن بر روی آموزش‌های به موقع اعتقادی و دینی، از موضوعاتی بوده است که کمتر مورد توجه محققین قرار گرفته است.

### ۱.۱. هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان تأثیر دوره‌های کوتاه مدت اعتقادی مذهبی بر دانشجویان با جهت‌گیری مذهبی ( درونی - بیرونی) می باشد.

### ۱.۲. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. برگزاری دوره های کوتاه مدت اعتقادی بر دانشجو معلمانی که دارای جهت گیری مذهبی درونی و جهت گیری برونی هستند تاثیر دارد.

با توجه به فرضیه های اصلی، فرضیه فرعی این پژوهش عبارت اند از:

۲. برگزاری دوره های کوتاه مدت جهت گیری مذهبی برونی دانشجو معلمان را کاهش می دهد.

۳. برگزاری دوره های کوتاه مدت جهت گیری مذهبی درونی دانشجو معلمان را افزایش می دهد.

### ۱.۳. تعاریف مفهومی و عملیاتی

در این قسمت، تعاریف مختلف اساسی پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می گیرد. این مفهوم عبارت است از جهت گیری مذهبی درونی، جهت گیری مذهبی برونی، دوره آموزشی .

#### ۱.۳.۱. جهت گیری مذهبی درونی

جهت گیری مذهبی درونی به صورت یک چارچوب معنا بخش هست که بر حسب آن تمام زندگی شناخته می شود (دونا هو، ۱۹۸۵). اشخاصی با این جهت گیری، انگیزه های اصلی خود را در مذهب خود، می یابند. دیگر نیاز ها هر چقدر هم که قوی باشند، نسبت به انگیزه ارزش کمتری دارند. چنین اشخاصی وقتی باوری را قبول می کنند، سعی می کنند آن را درونی ساخته و به طور کامل دنبال کنند ( آل پورت، ۱۹۶۷).

#### ۱.۳.۲. جهت گیری مذهبی برونی

یک روی آورد مذهبی در خدمت خود و برتای متناسب نشان دادن خود، هست (دونا هو ۱۹۸۵). اشخاصی با این جهت گیری مذهبی، از مذهب برای رسیدن مقاصدشان استفاده می کنند. ارزش های افرادی که چنین جهت گیری دارند، اغلب ابزاری و منفعت طلبانه هست. به عبارت دیگر، مذهب برای چنین اشخاصی، وسیله ای هست تا به وسیله آن به هدف های دیگری که برای آن ها مهم تر می باشند برسند ( آل پورت، ۱۹۶۷).

در این پژوهش، جهت گیری مذهبی (درونی و برونی) آل پورت ( ROS) مورد سنجش قرار می گیرد.

#### ۱.۳.۳. دوره آموزشی کوتاه مدت

دوره کوتاه مدت به دوره ای اطلاق می شود که ضمن تامین نیازهای دانش آموختگان و ارتقاء دانش آنان، صرفاً گواهی شرکت در دوره صادر میشود و طول دوره بسته به محتوای دوره بیش از دو هفته است.

#### ۱.۴. طرح پژوهش

طرح پژوهش حاضر، پس رویدادی است. در مقایسه با پژوهش تجربی که در آن اطلاعات و نتایج مورد نظر تحت شرایط کنترل شده ای به دست می آید، در پژوهش پس رویدادی، پژوهشگر به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و نوعی رفتار که قبلاً وجود داشته یا رخ داده، از طریق مطالعه نتایج حاصل از آنهاست. بنابراین پژوهشگر هیچ دخالتی در بروز آن نداشته است ( دلاور، ۱۳۷۸).

#### ۱,۵. جامعه آماری

جامعه آماری مورد پژوهش، دانشجومعلمان پسر و دختر پردیس‌های استان همدان می باشند

#### ۱,۶. نمونه آماری

نمونه مورد بررسی ۱۵۴ نفر از دانشجو معلمان مقطع کارشناسی دانشگاه فرهنگیان استان همدان شاغل به تحصیل در سال ۹۵-۹۴ بودند.

#### ۱,۷. روش نمونه گیری

به وسیله فراخوان و سهمیه بندی بین تمامی رشته‌های موجود تعداد ۱۵ نفر بصورت رندمی و مختلف از دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی در هر رشته ثبت نام گردید و به آزمودنی‌ها اطمینان داده می‌شد که پاسخ‌های آن‌ها محرمانه خواهد ماند. بدین ترتیب، ۱۵۴ دانشجومعلم دختر و پسر از دوره کارشناسی به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. و سپس با برگزاری پیش‌آزمون دوره‌هایی کوتاه مدت اصول پنج‌گانه اعتقادی با استفاده از استادان مجرب برگزار شد و سپس در آخرین جلسه دوره آموزشی پس‌آزمون گرفته شد .

#### ۱,۸. شیوه اجرای پژوهش

برای انجام این پژوهش، هر دانشجو ابتدا مقیاس جهت‌گیری مذهبی (درونی- برونی) آل پورت را تکمیل می‌کرد. سپس بیشترین افراد که دارای جهت‌گیری برونی بودند و بیشترین افرادی که دارای جهت‌گیری درونی بودن را مورد بررسی قرار دادیم .

#### ۱,۹. ابزار پژوهش

در این پژوهش به منظور ارزیابی میزان ارتباط جهت‌گیری‌های مذهبی با شیوه‌های مقابله با استرس، از مقیاس جهت‌گیری‌های مذهبی درون - برونی آل پورت و مقیاس شیوه‌های مقابله ای لازاروس و فولکمن (WOC) استفاده شده است. در این قسمت هر کدام از این ابزارها توضیح داده شده است.

مقیاس جهت‌گیری مذهبی ( درونی- بیرونی) آل پورت (ROS) اندازه‌گیری رابطه بین مذهب و پدیده روانشناسی به آغاز قرن اخیر بر می‌گردد. در سال‌های اخیر محققین در حوزه روان‌شناسی مذهب در تلاش بوده‌اند تا الگوهای مناسبی برای اندازه‌گیری پدیده‌های روان‌شناختی در ارتباط با بعد معنوی انسان بیابند (گورساچ، ۱۹۹۸).

یکی از مقیاس‌هایی که در این زمینه ساخته شده و بسیار مورد توجه قرار گرفته است مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی آل پورت بر مبنای کوشش‌های نظری اش سعی در ساختمان مقیاسی برای اندازه‌گیری جهت‌گیری‌های مذهبی نمود. او به همین منظور یک مقیاس ۲۰ گزینه‌ای ساخت که ۱۱ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی برونی و ۹ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی درونی اشاره می‌کردند.

در سال ۱۹۶۳ فگین (R. Feagin) یک نسخه ۲۱ گزینه‌ای از مقیاس I/E ساخت که تمام گزینه‌های آل پورت در آن انتخاب شده بودند و علاوه بر آن یک گزینه دیگر نیز به آن افزود. (مذهب همان کاری را می‌کند که عضویت من

در گروه دوستان و آشنایان می کند. یعنی کمک می کند که زندگی را متعادل و پایدار نگهدارم). این گزینه همبستگی مثبت بالای ۰/۶۱) با مقیاس E داشت و از آن به بعد این مقیاس بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است (دونا هو، ۱۹۸۵) طبق تحقیق آل پورت همبستگی بین گزینه های جهت گیری مذهبی درونی و برونی (۰/۲۰) بود که بسیار نزدیک به همبستگی محاسبه شده توسط آل پورت بود (دوهانو، ۱۹۸۵).

برای سنجش روایی این آزمون در ایران، مقیاس جهت گیری مذهبی درونی و برونی فگین به فارسی ترجمه شد و صحت ترجمه آن با بازخوانی توسط متخصصین دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید و سپس با بازنویسی های متعدد سعی در متناسب نمودن آن با بافت فرهنگی و مذهبی ایرانی گردید و گزینه ها بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم گردید. در این مقیاس نمره گذاری برای سوالات مقیاس جهت گیری مذهبی برونی بدین صورت هست: کاملاً مخالفم ۵، تقریباً مخالفم ۴، تقریباً موافقم ۲ و کاملاً موافقم ۱. و برای سوالات مقیاس جهت گیری مذهبی درونی نمره گذاری بدین صورت هست: کاملاً موافقم ۱، تقریباً موافقم ۲، تقریباً مخالفم ۴ و کاملاً مخالفم ۵. اعتبار این مقیاس توسط جان بزرگی (۱۳۷۸) در یک نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان استان تهران با اعتبار ۰/۷۳۷. بر اساس آلفای کرانباخ مورد آزمون قرار گرفته است.

در پژوهشی دیگر نیز که توسط مختاری در یک نمونه ۱۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران صورت گرفت، اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرانباخ محاسبه گردید که ضریب آلفای معادل ۰/۷۱۵. به دست آمد. بعد از اجرای آزمون، پایین ترین نمرات مربوط به افراد دارای جهت گیری مذهبی درونی و بالاترین نمرات مربوط به افراد دارای جهت گیری مذهبی برونی می شود. بر اساس توزیع نمره های این آزمون قرار دارد به عنوان دو گروه نمونه اصلی انتخاب می شوند.

## ۲. بحث

### ۲.۱. روش تجزیه و تحلیل داده ها

اطلاعات حاصله با استفاده از روش آزمون معنی دار بودن تفاوت میانگین های دو گروه مستقل و به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در فصل سوم فرآیند روش شناختی موضوع بررسی شد. پس از اجرای پژوهش داده های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در این قسمت نتایج حاصل در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار می گیرد.

#### ۲.۱.۱. بیان توصیفی داده ها

در این قسمت یافته های به دست آمده از نمونه بر حسب جنس، سن، وضعیت تاهل و رشته تحصیلی ارائه می شود.

پایایی تست شده روی ۴۰ نفر:

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.735	21

باتوجه به جدول بالا، از پایایی به دست آمده توسط نرم افزار SPSS، مشاهده می شود پایایی پرسشنامه بر اساس معیار آلفای کرونباخ ۰,۷۳۵ محاسبه شده و چون بیشتر از ۰,۷ است، پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است. مقایسه تغییرات حاصل شده در دین‌داری بیرونی در مرحله اول و دوم به وسیله آزمون تی زوجی: جدول زیر شاخصه های آماری (میانگین، انحراف معیار، میانگین اختلافات) دو متغیر دین‌داری بیرونی و درونی در مرحله های اول و دوم را نشان می دهد.

Paired Samples Statistics					
		Mean	N	Std. Deviation	Std. Error Mean
Pair 1	biruni1	3.2444	209	.48574	.03360
	birun2	3.1594	209	.57548	.03981
Pair 2	daruni1	3.1975	211	.45013	.03099
	daruni2	3.2797	211	.51884	.03572

جدول زیر به ترتیب تعداد داده ها، ضریب همبستگی و Sig را برای ضریب همبستگی ارائه می کند. ضریب همبستگی برای ۲۰۰ داده زوجی برابر ۰/۰۰۰ است. با توجه به مقدار Sig بین دو متغیر دین‌داری بیرونی و درونی مرحله اول و دوم همبستگی معنی داری وجود دارد.

Paired Samples Correlations				
		N	Correlation	Sig.
Pair 1	biruni1 & birun2	209	.517	.000
Pair 2	daruni1 & daruni2	211	.359	.000

جدول زیر نتایج آزمون تیرا نمایش می دهد. Sig آزمون کوچکتر از ۵ درصد است بنابراین تفاوت چشمگیری بین میانگین دین‌داری درونی در مرحله اول و دوم دوره در سطح خطای ۵ درصد وجود دارد. با توجه به این که حد بالا و پایین بازه ۹۵ درصدی اطمینان برای اختلاف میانگین دین‌داری درونی در مرحله اول و دوم هر دو مثبت هستند چنین دریافت می شود که دین‌داری درونی مرحله دوم بیشتر از دین‌داری درونی مرحله اول است بنابراین برگزاری دوره در افزایش دین‌داری درونی اثر بخش می باشد.

Paired Samples Test						
		Paired Differences				
		Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
Pair 1	biruni1 - birun2	.08501	.52721	.03647	.01311	.15690
Pair 2	daruni1 - daruni2	-.08225	.55154	.03797	-.15710	-.00740

## ۲.۲. درونی سازی مذهب

برخلاف آنچه به صورت متعارف درباره‌ی مذهب و کنش‌های آن، بیان شده، نظام‌های اعتقادات مذهبی از نظر محتوا و عملکرد، بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که پیش‌ازاین توصیف شده است. اعتقادات مذهبی خاص، در بخش قابل توجهی از مسائل، در چارچوب انتقالی فرهنگی استقرار یافته‌اند و تداوم خود را در گرو انتقال از نسلی به نسل دیگر دارند و بدین ترتیب اعضای یک اجتماع، مذهب را به‌عنوان پدیده‌ای کاملاً شخصی و از آن خود، به نسل جدید منتقل می‌کنند. با این توصیف ضرورتاً مذهب برای تداوم و ایفای نقش خود نیازمند آن است که تا به‌عنوان یک پدیده فرهنگی "درونی سازی" شود. زمانی که از درونی سازی بحث می‌شود، همواره فرآیندهایی مورد توجه است که بر اساس آن فرد تغییراتی عمیق در ساختارهای روانی خویش به وجود می‌آورد. در درونی سازی، سخن از وارد شدن یک پدیده یا موضوع برونی در ساختارهای روانی و افزودن یک عنصر به مجموعه عناصر موجود در روان انسان نیست. درونی سازی به معنای وارد ساختن عناصر موضوعات بیرونی در ساخت‌های روان‌شناختی به گونه‌ای است که این ورود منجر به تغییرات ساختاری گردد و یا خود با ساخت‌های موجود توحید یابد (بهرامی احسان، ۱۳۷۸)

بدین ترتیب زمانی که دسی و رایان (۱۹۸۵) از درونی سازی سخن می‌گویند، مذهب را نه به‌عنوان یک پدیده افزودنی و نه به‌عنوان یک موضوع مصنوعی غیر روان‌شناختی، تحلیل می‌کنند. از این دیدگاه مذهب را به‌خودی‌خود نمی‌توان در چهارچوب روان‌شناختی به بحث گذاشت. آنچه کنش مذهبی را تعیین می‌کند. چگونگی پیوند عناصر مذهبی در ساختارهای روان‌شناختی است و این متهم جز با تحلیل فرآیند درونی سازی روشن نخواهد شد (همان منبع).

دسی و رایان، (۱۹۸۵) نظریه خود را بر اساس چند اصل استوار ساخته‌اند. نخست آنکه مذهب به‌عنوان یک پدیده فکری و فرهنگی، برای ایفای نقش خود-مانند دیگر پدیده‌های روان‌شناختی - درون ساز گردد. دوم آنکه لزوماً یک سبک خاص درونی وجود ندارد و با توجه به شرایط خاص فردی و اجتماعی، می‌توان حداقل دو سبک درونی سازی را از یکدیگر متمایز کرد. این دو سبک عبارت‌اند از:

الف- درونی سازی مبتنی بر درون فکری

ب- درونی سازی مبتنی بر همسان‌سازی

درونی سازی مبتنی بر درون فکری، عبارت است از فرآیند درونی سازی عناصر مذهبی در ساختارهای روانی، در شرایط الزام آور برونی و یا به منظور اجتناب از احساس گناه، احساس شرم، اضطراب و یا از دست دادن حرمت خود. از دیدگاه دسی و رایان این سبک از درونی سازی، یک سازمان دهی ناقص است و امکان آن که عناصر مذهبی با مجموعه ساختارهای روان شناختی در چارچوب یک جذابیت درونی توحید یابند ضعیف است. بدین ترتیب، درونی ساختن عناصر مذهبی از طریق درونی فکری می تواند با تجربیاتی از تعارضها و استرس همراه باشد.

درونی سازی مبتنی بر همسان سازی، تغییرات زیربنایی است که در ساختارهای روانی روی داده در چارچوب یک توحید یافتگی - مذهب در خدمت ساخت بخشیدن ابعاد روان شناختی - به حفظ تمامیت هویت یاری می رساند. در این سبک از درونی سازی، مفاهیم و مضامین مذهبی بیش از آنکه متکی بر الزامهای درونی یا برونی باشند و یا احساس گناه، اجتناب از اضطراب، حفظ حرمت خود و جز آن تغذیه شوند، به صورت طبیعی در خدمت وحدت و یکپارچگی و توحید بخشیدن به ساختارهای روانی درمی آید (همان منبع).

از دیدگاه دسی و رایان با توجه به میزان و شکل درونی سازی مذهب، می توان نتایج متفاوتی نیز انتظار داشت. درونی سازی مذهب با توجه به همسان سازی، به طور طبیعی برای مفاهیم مذهبی، همگرایی بیشتری با ساختارهای روانی فراهم ساخته و فرد، مذهب را در چارچوب خواسته های عمیق خود، مبنای عمل قرار می دهد.

بدین ترتیب این شکل از درونی سازی از آنجا که عملاً در خدمت انسجام بخشیدن به عناصر روانی و به توحید بخشیدن ساختارهای روان شناختی منجر می گردد. دارای کنش سلامتی است و در خدمت عملکرد مؤثر دستگاه روانی قرار می گیرد. این در حالی است که درون فکنی به دلیل فاصله داشتن با خواست شخصی عملاً در یک چهارچوب تحمیلی بر فرد ظاهر می شود، فاقد کنش سلامتی است و می تواند مشکلاتی نیز فراهم سازد. این بد است که با تعدادی از پیامدهای منفی روان شناختی ارتباط دارد. در صورتی که همسان سازی منجر به ثبات بیشتری در هویت، حرمت خود، شکوفایی خود و نیز فقدان عناصر مزاحم و اغتشاش آمیز در سلامت روانی می گردد. همچنین در گزارش این پژوهشگران ، بین همان سازی با میزان افسردگی، اضطراب، اختلال در کنش های اجتماعی و بدنی سازی (somatization) تعارضها، رابطه منفی دیده می شود.

بدین ترتیب با توجه به مجموعه یافته ها، عمده تربیت تأکید در تأثیر مذهب بر سلامتی روانی، نقش مذهب در وحدت بخشی به سازمان روانی انسان و توحید یافتگی روان شناختی است ( بهرانی احسان، ۱۳۷۸).

شهید مطهری (۱۳۶۶) در کتاب مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، انسان و ایمان می نویسد: انسان نمی تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان زندگی سالم داشته باشد یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. انسان فاقد هرگونه ایده و ایمان یا به صورت موجودی غرق در خودخواهی درمی آید که هیچ وقت از لاک منافع فردی خارج نمی شود ولی به صورت موجودی مردد و سرگردان درمی آید که تکلیف خویش را در زندگی در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی داند.



اگر مکتب و آیینی تکلیفش را روشن نکرده باشد همواره مردد به سر می برد. گاهی به این سو و گاهی به آن سو کشیده می شود و موجودی ناهماهنگ می گردد. آن چیزی که لازم است مورد توجه واقع شود این است که تنها ایمان مذهبی قادر است که انسان را به صورت یک مؤمن واقعی در آورد. هم خودخواهی و خود پرستش را تحت شعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی تعبد و تسلیم در فرد ایجاد کند، به طوری که انسان در کوچک ترین مسئله ای که مکتب عرضه می دارد هم به خود تردید راه ندهد و هم آن را به صورت یک شیء عزیز و محبوب و گران بها در آورد. در حدی که زندگی بدون آن برایش هیچ و پوچ و بی معنا باشد.

از نظر شهید مطهری (۱۳۶۶) آثار و فواید ایمان مذهبی عبارتند از:

الف- بهجت و استنباط: ایمان مذهبی از آن جهت که تلقی انسان را نسبت به جهان شکل خاص می دهد به این نحو که آفرینش را هدف دار و هدف را خیر و تکامل و سعادت معرفی می کند طبع دید انسان را نسبت به نظام کلی هستی و قوانین حاکم بر آن خوش بینانه می سازد.

ب- نقش ایمان در بهبود روابط اجتماعی: زندگی سالم اجتماعی که افراد قوانین و حدود و حقوق یکدیگر را محترم شمارند، عدالت را امری مقدس به حساب آورند، به یکدیگر مهر بورزند، هر یک برای دیگری آن را دوست بدارد که برای خود دوست می دارد و آن را نپسندد که برای خویش نمی پسندد، به یکدیگر اعتماد و اطمینان داشته باشند، در مقابل ستم به پا خیزد و ارزش های اخلاقی را محترم شمارند و باهم متحد و متفق باشند، در سایه ایمان مذهبی است که تحقق می یابد.

ج- کاهش ناراحتی ها: ایمان مذهبی در انسان نیروی مقاومت می آفریند و تلخی ها را شیرین می گرداند. انسان با ایمان می داند هر چیزی در جهان حساب معینی دارد و اگر عکس العملش در برابر تلخی ها به نحو مطلوب باشد، اگر غیر قابل جبران باشد به نحوی دیگر از طرف خداوند متعال جبران می شود.

از نظر روان شناسان مسلم و قطعی است که اکثر بیماری های روانی که ناشی از ناراحتی های روحی و تلخی های زندگی است، در میان افراد غیر مذهبی دیده می شود. افراد مذهبی به هر نسبت که ایمان قوی و محکم داشته باشند، از این بیماری ها مصون ترند. از این روی از عوارض زندگی عصر ما که در اثر ضعف ایمان های مذهبی پدید آمده است افزایش بیماری های روانی و عصبی است.

مکینتاش، سیلور و ورتمن (۱۹۹۳) اشاره می کنند که افراد مذهبی، دارای روان بنه های مذهبی می باشند که می تواند آن ها را در پردازش مرگ کمک کند. بر مبنای این نظریه می توان گفت که روان بنه های مذهبی می توانند ارزیابی ما را از رویدادهای استرس زا تحت تأثیر قرار دهند و بنابراین، این روان بنه ها می توانند هم بر ارزیابی ما از رویدادها هم بر شیوه های مقابله با آن ها و حتی بر چگونگی وقوع رویدادها اثر داشته باشند و افراد مذهبی دارای جهت گیری درونی، دارای روان بنه هایی می باشند که نحوه ارزیابی آن ها را از رویدادهای استرس زا، تحت تأثیر قرار می دهد. این افراد،

معمولاً از شیوه‌های رویارویی مسئله محور، استفاده می‌کنند و لذا در موقعیت‌های مختلف سازش بهتری را نشان می‌دهند.

پارک و کوهن (۱۹۹۰)، به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن درونی، که در آن فرد با انگیزه‌های درونی به ارزش‌های والایی اعتقاد، ارتباط بیشتری با رویارویی مسئله محور و در نتیجه سلامت روانی دارد.

همچنین واتسون و دیگران (۱۹۹۴) این فرضیه الیس را که اظهار داشته بود، مذهبی بودن میزان ناسازگاری را افزایش می‌دهد با نمونه‌ای متشکل از ۳۵۱ آزمودنی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها فرضیه الیس را تایید نکرد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که افراد دارای مذهب درونی، سازش یافتگی بیشتری از خود نشان می‌دهند و حتی مذهبی بودن سنتی نیز با همسازی همراه است. یعنی بر اساس این تحقیقات نه تنها نمی‌توانیم بپذیریم که مذهب موجب شکل گیری ساختارهای شناختی غیر منطقی می‌گردد. بلکه آنهایی که به راستی مذهبی هستند، با مسائل زندگی به گونه‌ای منطقی و کارآمد مواجه می‌شوند.

در مورد فرضیه‌های این پژوهش وجود تفاوت معنادار، بین میانگین‌های دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی تفاوت معناداری بین میانگین‌های این دو گروه، در تأثیر دوره‌های کوتاه مدت آموزشی مشاهده نشد.

۱. نقش معلمین و مربیان در تعلیم و تربیت، خصوصاً معلمانی که وظیفه تعلیم علوم دینی را بر عهده دارند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا باید ایشان خود از معرفت علمی و عملی لازم برخوردار باشند تا بتوانند به نحو شایسته ای پاسخ‌گویی نیازهای دانش آموزان و دانشجویان باشند، تا بدین وسیله سبب عمیق تر شدن باورهای مذهبی دانش آنان گردند.

۲. نقش کتب دینی و معارف اسلامی، اگر چنانکه این کتب همچون کتب درسی نگاشته شده و همپایه دیگر کتب آموزشی بوده و این اندیشه را در اذهان دانش آموزان و دانشجویان تداعی نماید که باید این دروس را آموخت تا نمره لازم را تحصیل نمود و نیز اگر در تنظیم این کتب توجه کافی به نیازهای دانش پژوهان نشود. به صورت یقین تأثیر عملی مثبتی را نمی‌توان از آموزش آن‌ها انتظار داشت.

۳. از دیگر متولیان امور فرهنگی که می‌توانند به نحو فراگیری مؤثر باشند، وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون و نشریات و به خصوص مساجد می‌باشند که می‌توانند با ارائه صحیح اندیشه‌های

دینی و چهره واقعی مذاهب، زمینه درونی شدن هر چه بیشتر جهت‌گیری‌های مذهبی را فراهم کنند.

### ۳. نتیجه گیری

در جامعه ما با وجود دستگاه‌های فرهنگی متعدد که مسئولیت ساختن فرهنگ جامعه را بر عهده دارند و هزینه‌های زیادی در راستای تقویت فرهنگ جامعه پرداخت می‌کنند ولی باین حال می‌بینیم کارهای موازی و بدون نتیجه‌ای صورت می‌گیرد، یکی از دلایل عدم تأثیر برنامه‌ها و جلسات و... فرهنگی ارزیابی نکردن نشناختن مخاطبین هست

---

به طوری که می توان با بررسی های بسیار ساده میزان تأثیرات دوره ها و آموزش ها را رصد نموده و برای آن برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلند مدت کنیم. و از صرف هزینه های زیاد ولی کم بازده خودداری نماییم. این پژوهش، جهت بررسی میزان تأثیرات دوره های کوتاه مدت اعتقادی با توجه به جهت گیری مذهبی (درونی و برونی) انجام گرفته است. نتایج به دست آمده در مجموع، فرضیه های اصلی اول یعنی " بررسی میزان تأثیرات دوره های کوتاه مدت اعتقادی با توجه به جهت گیری مذهبی (درونی و برونی) مشاهده نمی شود. بنابراین می توان گفت برگزاری دوره های کوتاه مدت اعتقادی برای دانشجویان دارای جهت گیری مذهبی درونی تفاوت چشم گیری با دانشجویان دارای جهت گیری مذهبی برونی، ندارند.

## منابع

- آزاد، حسین (۱۳۷۸)، *آسیب شناسی روانی*، تهران، انتشارات بعثت.
- بهرامی احسان، هادی (۱۳۷۸)، *بررسی مؤلفه های بنیانی سازشی در آزادگان ایرانی*، پایان نامه دکترا، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفری، علیرضا. *بررسی رابطه جهت گیری مذهبی (درونی - برونی) باشیوه های مقابله با استرس در دانشجویان*. فصلنامه علوم رفتاری، دوره، سال، ص ۹۲ - ۱۱۴.
- دلاور، علی (۱۳۷۸). *روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران، نشر ویرایش.
- ریو، جانمارشال (۱۳۷۸). *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی: انسان و ایمان*، قم، انتشارات صدرا.
- All port, G.W & Ross, J.M.(1967); *personal religious orientation and Prejudice. Journal of personality and social psychology*, 5 (423 - 443).
- Donahue, M.J.(1985); *Intrinsic and Extrinsic religiousness: Preview and met analysis*. Journal of psychology and social psychology, 48.
- Park C. L & Cohen, L.H (1990); *R eligious and nonreligious coping with the death of friend*. Journal of cognitive therapy and research. 17.
- Sharf, R. S (1996); *Theories of psychotherapy and counseling: Concepts and cases*; Brooks/col. Pob.
- Watson, P. J. (1994); *Religion and rationality: Comparative analysis of rationalemotive and intrinsically arligious irrationalities*, Journal of psychology andChristianity, Vol 13 (4), 373 – 384.
- Weithen, W. (1994); *Stress, coping and health in handbook of psychology*. Brooks/col compang.
- Grouch R.L (1988) *Psychology of Religion* 2012 , 1:39 .1988 Annual Reviews of Psychology.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation & self- determination in human behavior*. New York, Plenum press.